

# دوقطبی سازی؛

## اهداف و پیامدهای آن

**اشاره:** ذات انتخابات مبتنی بر رقابت سیاسی شکل می‌گیرد. انتخابات نوعی بازاریابی سیاسی و میدان ارائه آراء و نظرات مختلف به افکار عمومی است. در این بازار سیاسی، آن کالایی که برای مشتریان جذاب‌تر باشد، با اقبال عمومی بیشتری مواجه خواهد شد. به همین جهت جریان‌هایی که وارد رقابت‌های انتخاباتی (بازاریابی سیاسی) می‌شوند، برای پیروزی در انتخابات، شگردهای مختلف تبلیغاتی و عملیات روانی بهره می‌گیرند که یکی از این شگردهای پرکاربرد در انتخابات، "دوقطبی‌سازی" است.

در توضیح معنای دوقطبی‌سازی باید خاطر نشان کرد که رقابت‌های انتخاباتی در یک نگاه کلی از دو الگوی اثباتی و نفی‌ای پیروی می‌کند. در الگوی اثباتی، نامزد انتخاباتی تلاش دارد با ارائه برنامه‌های خود برای اداره کشور و آرای مردم را به سوی خود جلب کند، اما در الگوی نفی‌ای به جای ارائه برنامه، تلاش می‌کند تا با نقد و نفی و تخریب رقیب، از ریخته شدن آراء در سبد رأی رقیب جلوگیری کند. الگوی نفی‌ای معمولاً توسط جریان‌های سیاسی‌ای مورد استفاده گسترده قرار می‌گیرد که برنامه مشخصی برای اداره کشور ندارند یا امید ندارند که برنامه آنها با استقبال عمومی مواجه شود. این جریان‌ها در بازاریابی سیاسی (رقابت‌های انتخاباتی) موفقیت خود را در گرو اولویت دادن به الگوی نفی‌ای می‌بینند و بخش عمده تبلیغات خود را بر این اساس این عملیات روانی شکل می‌دهند. یکی از مهم‌ترین شگردها و تاکتیک‌ها پُرکاربرد در الگوی نفی‌ای، «دوقطبی‌سازی» است. در دوقطبی‌سازی، موفقیت یک جریان یا نامزد انتخاباتی عمدتاً در گرو رقیب هراسی قرار می‌گیرد.

**کلیدواژه:** دوقطبی‌سازی؛ گفتمان انقلاب؛ مواجهه با چالش‌ها؛ دوگانه‌ی سازش و مقاومت؛

اسلام حداقلی؛ اسلام حداکثری؛ قدرت آمریکا

## دوقطبی؛ منفی یا مثبت؟

دوقطبی‌سازی می‌تواند رقابت‌های انتخاباتی را جذاب کرده و فضا را برای مشارکت حداکثری فراهم آورد و خیل بیشتری از مردم را پای صندوق‌های رأی بیاورد. از این رو نباید همیشه به دوقطبی‌سازی نگاه منفی داشت. آنچه در پدیده دوقطبی‌سازی مذموم است آن است که این شگرد، بر تمام فرآیند انتخابات سیطره پیدا کند و فرایند انتخابات را که به طور طبیعی باید روند عقلایی داشته باشد، به فرآیندی با محوریت احساسات، هیجانات و تعصبات غیرعقلایی مبدل گرداند و فرصت انتخابات را به چالش و تهدیدی برای نظام تبدیل نماید.

در برابر این گونه سناریوهای ناپاک انتخاباتی باید هوشیار بود و اجازه نداد آن‌هایی که در ارائه برنامه مشخص برای اداره کشور ناتوانند، بتوانند با مهندسی فضای انتخاباتی، رأی مردم را در فرآیند دو قطبی‌های کاذب به سمت منافع حزبی و جناحی خود هدایت کنند. دوقطبی‌سازی فضای سیاسی کشور، هرچند ممکن است برای احزاب و گروه‌های سیاسی، دستاوردهایی داشته باشد اما تبعات آن برای نظام سیاسی و جامعه نامطلوب خواهد بود.

## دوقطبی‌های صادق و ارزشی

دوقطبی‌هایی ارزشمند و فایده‌مند هستند که مبتنی بر واقعیت‌های سیاسی فرهنگی و متناسب با ضرورت‌ها و اولویت‌های جامعه و برآمده از نیازهای واقعی جامعه شکل گرفته باشد. همانطور که رویداد انقلاب اسلامی، تقابل دوگانه‌ی اسلام و استکبار را رقم زد و رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم به صراحت آن را تبیین کردند: «انقلاب ملت ایران، جهان دوقطبی آن روز را، به جهان سه‌قطبی تبدیل کرد و سپس با سقوط و حذف شوروی و اقمارش و پدید آمدن قطب‌های جدید قدرت، تقابل دوگانه‌ی جدید «اسلام و استکبار» پدیده‌ی برجسته‌ی جهان

معاصر و کانون توجه جهانیان شد. از سویی نگاه امیدوارانه‌ی ملت‌های زیر ستم و جریان‌های آزادی‌خواه جهان و برخی دولت‌های مایل به استقلال، و از سویی نگاه کینه‌ورزانه و بدخواهانه‌ی رژیم‌های زورگو و قلدرهای باج‌طلب عالم، بدان دوخته شد.»

در مجموع دو قطبی حقیقی و غیرحقیقی وجود دارد که در اندیشه‌های امامین انقلاب، دوقطبی حق و باطل، خودی و غیرخودی، انقلابی و غیرانقلابی، استضعاف و استکبار، اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) و اسلام آمریکایی، پابرنه‌ها و مرفهین بی‌درد، خیر و شر، ایمان و رذالت و... به چشم می‌خورد.

دوگانه‌هایی که اصالت ندارند و جعلی هستند به طور مصنوعی و با هدف اغوای افکار عمومی ساخته شده دوگانه‌های باطلی است که باور آن توسط افکار عمومی می‌تواند انحرافات اجتماعی و از آن جمله تغییر نامطلوب در فرایند انتخابات را رقم بزند.

### سابقه دوقطبی‌سازی

با اینکه اصطلاح دو قطبی جامعه در چند سال اخیر پرتکرار بوده اما سابقه آن را در ادوار مختلف تاریخ می‌توان جستجو و جستجو کرد. مثل ایجاد دوقطبی مهاجر و انصار، توسط «عبدالله بن اُبی» در یکی از غزوات که پیامبر صلی الله علیه و آله از سخنان ابن اُبی، آنقدر ناراحت شدند که لشکر را در موقعی که باید استراحت می‌کردند، حرکت دادند. وقتی علت این اقدام را از ایشان پرسیدند، فرمودند که مگر ندیدید که اُبی گفته وقتی به مدینه برگردیم، می‌خواهیم مهاجرین را اخراج کنیم. دوقطبی مهاجر انصار در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) ادامه داشت و مسئله خلافت هم تحت تأثیر آن قرار گرفت، روزی که طرح بیعت "مِنَّا أَمِيرٌ و مِنكُمْ أَمِيرٌ" شد. در فاجعه کربلا نیز، یزید به دوقطبی بنی‌هاشم و بنی‌امیه اشاره کرد و گفت اصلاً دعوی نبوت مطرح نبوده، بلکه دعوی بنی‌هاشم و بنی‌امیه بوده و یک زمان بنی‌هاشم پیروز شده و حالا بنی‌امیه.

همان طور که گفته شد دو قطبی پدیده نوظهوری نیست اما شاید حافظه تاریخی جامعه ما اکنون بیش از همه دوقطبی‌های از ابتدای دهه ۹۰ به‌ویژه بعد از انتخاب رئیس دولت یازدهم را

به خاطر داشته باشند. مثلا در این مقطع بعد از مذاکرات با اروپا و آمریکا با موضوع پرونده هسته ای و طرح "برنامه جامع اقدام مشترک" (برجام) به عنوان مهم‌ترین راه خروج کشور از بحران‌ها، دو قطبی موافقان و مخالفان برجام پدید آمد.

همچنین از همان دوره، دو قطبی تقابل و تعامل با دنیا مطرح شد، و به تبع آن، دو قطبی عیان‌تر رابطه با غرب و مخالفان آن مطرح شد. حتی در مقطعی دوگانه عصر موشک و عصر گفتمان در برابر هم قرار گرفتند. در جریان انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم نیز با طرح دو قطبی حقوقدان و سرهنگ، دولت‌بی‌تفنگ و باتفنگ، معرفی جناح رقیب به نماد افراطی، دو قطبی اعتدال و افراط ظهور کرد. همه این موارد فضای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه را در آستانه دو قطبی شدن قرار داده بود.

## دوقطبی درون‌زا و برون‌زا

دو قطبی می‌تواند درون‌زا یا برون‌زا باشد؛ بدین ترتیب که یا درون جامعه توسط گروه‌های مختلف فکری ایجاد می‌شود یا دو قطبی از سوی نیروهای خارجی به جامعه تزریق می‌شود و مدیریت آن با بی‌بی‌سی‌چی‌ها باشد. پس واضح است که عوامل داخلی و خارجی در بروز دو قطبی مؤثر است. در نتیجه کسانی که دغدغه حفظ کیان کشور را دارند، باید از ترویج و دامن زدن به دو قطبی اجتناب کنند.

## سوژه‌های دوقطبی‌سازی

امروز نیز جریانی در کشور با دوقطبی‌سازی و فشار بر اذهان عمومی سعی دارند مردم را به سمت منافع حزبی و منافع آمریکا سوق دهند. مثلا با دوقطبی‌سازی گرانی یا استکبارستیزی، تنگی معیشت یا حفظ موشک‌ها و توان نظامی، فشار اقتصادی یا حضور ایران در منطقه، و صلح با آمریکا یا پذیرفتن جنگ، قصد دارند مردم را وادار به همراهی آنان در مذاکره مجدد و تسلیم در

برابر آمریکا و اروپا کنند. در جریان شیوع کرونا، علم را مقابل دینی قرار دادند، که آن همه تأکید بر بهداشت فردی و اجتماعی دارد.

در جامعه سیاست‌زده ما، برای دوقطبی‌سازی سوژه‌های متعددی را می‌توان برشمرد. دوقطبی‌هایی که غیر مرتبط با واقعیات زندگی مردم هستند. برخی از این سوژه‌ها عبارت است از: تعامل با جهان یا تقابل و انزواگرایی، سنت یا مدرنیته، عدالت یا توسعه، آرمان‌گرایی یا واقع‌گرایی، تنش زآدیی یا تنش‌زایی، درون‌گرایی یا برون‌گرایی، کنسرت یا ضدکنسرت، مذاکره یا مخالف مذاکره، عقل جمعی یا عقل فردی، آزادی یا مخالف آزادی، رابطه با آمریکا یا مخالف آن، برجام و مخالف برجام، موافقان ورود زنان به ورزشگاه و مخالف آن، اینترنت آزاد یا وضعیت کره‌شمالی، موافقان پیوستن به تجارت جهانی و مخالف آن، و... .

### اهداف دوقطبی‌سازی‌های کاذب

- جریان‌های غیرانقلابی که عمدتاً میدان‌دار دوقطبی‌سازی‌های غیرواقعی و کاذب هستند، اهدافی از این عملیات روانی دارند که عمده این اهداف عبارت است از:
- ۱) قداست‌زدایی از ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی.
  - ۲) تصاحب قدرت سیاسی اجتماعی به هر قیمتی.
  - ۳) انحراف و اغوای افکار عمومی با هدف افزایش پایگاه اجتماعی.
  - ۴) ایجاد اختلاف و چنددستگی در جامعه.
  - ۵) تحریک احساسات نیروهای انقلابی و بهره‌برداری از آن.
  - ۶) تنزیل جایگاه و موقعیت رهبری.
  - ۷) ارسال سیگنال به غرب و جلب حمایت آنان.
  - ۸) پوشاندن ضعف‌های مدیریتی و مشکلات اقتصادی با انحراف افکار عمومی از مشکلات اصلی مانند بیکاری، رکود، تورم، گرانی، بی‌انضباطی بازار و... .
  - ۹) هدر دادن ظرفیت‌های نیروهای انقلاب به جای خدمت به مردم.

۱۰) غفلت از دشمن اصلی و سرگرم شدن به حاشیه‌ها.

۱۱) ...

## پیامدها و تبعات دوقطبی‌سازی غیرواقعی

همگان اعتراف دارند که دوقطبی‌های کاذب، مخرب است، چون وحدت و انسجام ملی را نشانه می‌گیرد. در جامعه دوقطبی، گروه‌هایی که با هم مقابله می‌کنند برای رسیدن به مقصود خویش به هر ابزاری دست می‌یازند؛ مثل دروغ، تهمت، انتشار خبر جعلی، توهین و برچسب‌زنی و همه اینها انحطاط اخلاق و سقوط فرهنگ است.

دوقطبی باعث دلزدگی و خستگی مردم و شکننده شدن جامعه می‌شود. اهداف آرمانی گروه‌ها در اثر دو قطبی شدن جامعه به سطح منافع شخصی و نهایتاً حزبی افت می‌کند و در نتیجه مسائل فرعی جای مسائل اصلی را می‌گیرد.

دو قطبی‌سازی فرصتی را در اختیار اپوزیسیون داخلی و خارجی قرار می‌دهد که جهت این دوقطبی را عوض کنند یعنی رقابت بین جریان‌ها را به رقابت بین یک جریان و نظام تبدیل کنند. یکی از آن کارها این است که یک جریان را منسوب به نظام و نماینده نظام عنوان نموده و جریان دیگر را مخالف نظام معرفی می‌کنند. در این حالت رقابت به بازی در زمین دشمن تبدیل می‌شود. بدترین نوع دوقطبی‌سازی همین نوع است و منع و نهی‌ای که مقام معظم رهبری برای جلوگیری از دوقطبی‌سازی انجام دادند نیز معطوف به همین نگاه است.

در این حالت دشمنان، پیروزی جریان منسوب به نظام را به فرمایشی بودن انتخابات و یا انتخابات سازمان یافته تفسیر می‌کنند و پیروزی جریان رقیب را به معنی شکست نظام تلقی نموده و به دنبال تعمیق شکاف اجتماعی بین مردم و حاکمیت هستند. بنابراین هم نامزدهای انتخابات و هم طرفداران آنها باید متوجه این خطر باشند و رقابت بین جریانی را به رقابت بین یک جریان و نظام تبدیل نکنند.

ضرر دیگر دوقطبی‌سازی برای جامعه این است که موجب ایجاد خفقان روانی و دیکتاتوری رسانه‌ای در جامعه می‌شود و هرکس می‌خواهد به موضوعی انتقاد کند، می‌ترسد که او را به یک قطب منتسب کنند. همچنانکه دوقطبی‌سازی، شایسته‌سالاری را از بین خواهد برد و هر کسی از قطب‌ها که بالا بیاید، حتی اگر شایسته هم نباشد، می‌گویند چون مربوط به قطب ماست باید از او دفاع کنیم.

از آفات دیگر دوقطبی‌سازی‌های کاذب، رشد افراط‌گرایی و پرخاشگری (رادیکالیسم) در انتخابات است. افراط‌گرایی برآمده از تعطیلی عقل و غلبه شور، هیجانات، عواطف و احساسات، بر اراده فرد و جامعه است که حاصلی جز برافروخته شدن پرخاشگری و افراط ندارد. دوگانه‌سازی افراطی یکی از عوامل مهم است که امنیت انتخابات را تهدید می‌کند. انتخاباتی که باید در آرامش و امنیت کامل برگزار شود، به واسطه دوگانه‌های دروغین به درگیری و تنش دچار می‌شود. تجربیات تلخ انتخابات ریاست جمهوری دهم به خوبی آثار سوء این دو قطبی‌سازی را آشکار می‌سازد. این مدل وقتی خطرناک می‌شود که انتخابات زمینه مناقشات اجتماعی درگیری و آشوب را فراهم آورد.

دو قطبی‌سازی یکی از شگردهای است که عوام‌فریبان (پوپولیست‌ها) از آن به خوبی استفاده میکنند. در واقع بهترین و مؤثرترین ابزار فریب افکار عمومی برای چنین جریان‌هایی بهره‌گیری از دوگانه‌سازی است؛ چراکه هر جا احساسات و هیجانات بر عقل و منطق غلبه کند، پوپولیسم رشد خواهد کرد.

از مهم‌ترین کارکردهای انتخابات، تقویت انسجام و وحدت ملی است. در انتخابات یک ملت کنار یکدیگر جمع می‌شوند تا سرنوشت آینده کشور خود را رقم بزنند و این حرکت باشکوه، عاملی برای هم‌افزایی یک ملت است. اما دوقطبی‌سازی‌ها با نفی و تخریب رقیب سیاسی و ایجاد اختلاف و دودستگی و تنش در انتخابات، آن را به عامل ضد وحدت ملی بدل می‌گرداند و زمینه کدورت و واگرایی را در جامعه فراهم می‌آورند و مانع همگرایی و تقویت فزاینده توان کشور برای کارآمدسازی و تقویت هویت ملی می‌شود. دوقطبی جامعه را به انشقاق‌های عمیق می‌اندازد و تقابل بین احزاب را

تا سرسفره مردم می‌کشد و نقطه پایانش نیز صندوق رای نخواهد بود. در دوقطبی‌ها هم انتخاب اصلح را می‌بازیم و هم مشارکت را.

## دوگانه‌های واقعی در گفتمان انقلاب اسلامی

یکی از الگوهای مواجهه رهبر معظم انقلاب با پدیده‌های سیاسی اجتماعی، مدل و روش تحلیل مقایسه‌ای است. ایشان این الگو را در دیدار با اعضای مجلس خبرگان (۲۳/۱۲/۱۳۹۷) با تأکید بر ضرورت ایجاد یک گفتمان و فهم عمیق عمومی درباره نوع مواجهه افراد مؤثر کشور (خواص جامعه) با چالش و حوادث ارائه کردند؛ و در این سبک مقایسه‌ای، به تبیین یازده عدد دوگانه در این زمینه پرداختند.

ایشان در طرح بحث خاطرنشان کردند: «هر کشوری، هر جامعه‌ای حادثی دارد؛ این حوادث بعضاً حوادث خوب است، بعضاً حوادث تلخ است، بعضاً فشار هست - فرض کنید ما دچار تحریمیم، دچار تهاجم فرهنگی هستیم و از این قبیل چیزها، یا بعضی از کشورها دچار تهاجم سخت و تهاجم نظامی هستند؛ حادثی برای کشورها پیش می‌آید - گاهی هم پیشرفتهایی پیش می‌آید. نوع مواجهه‌ی با این حوادث خیلی مهم است که چه جور با این حوادث مواجه بشویم. چند دوگانه را من عرض می‌کنم در این زمینه؛ یعنی نوع مواجهه به چند صورت می‌تواند تصویر بشود.» ایشان بعد از تبیین دوگانه‌ها فرمودند: «این دوگانه‌ها سؤالات مهم است؛ ما از خودمان باید سؤال کنیم که در این دوگانه‌ها چه جوری باید عمل کنیم؟... به نظر من پاسخ اینها در منابع اسلامی ما روشن است.» و خود معظم‌له به برخی از این دوگانه‌ها پاسخ‌های قرآنی زیبایی می‌دهند که در بخش «روش تعبیدی» به آن خواهیم پرداخت.

### دوگانه‌های مواجهه با چالش‌ها و حوادث

توضیح	نوع دوگانه‌ی مواجهه		
فعال یعنی اینکه وقتی با یک حادثه‌ای روبه‌رو میشویم، نگاه	انفعالی	فعال	۱

توضیح	نوع دوگانه‌ی مواجهه		
<p>کنیم بینیم ما در قبال این حادثه - برای دفع آن، برای رفع آن، برای تضعیف آن، یک جاهایی برای تقویت آن - چه کار باید بکنیم؛ فکر کنیم و فعال وارد میدان بشویم؛ این مواجهه ی فعال. مواجهه‌ی انفعالی این است که وقتی یک حادثه‌ی تلخی، سختی، مشکلی پیش می‌آید، بنا کنیم آه و ناله کردن، دائم به زبان آوردن، دائماً گفتن، مدام تکرار کردن؛ بدون اینکه یک تحرکی در مقابل آن داشته باشیم.</p>			
<p>مواجهه‌ی ابتکاری یا مواجهه‌ی عکس‌العملی. مواجهه‌ی عکس‌العملی این است که فرضاً وقتی در مقابل یک دشمن قرار گرفتیم، و دشمن ما را به یک میدان مواجهه‌ای میکشاند، ما هم برویم در همان میدان، و طبق برنامه‌ریزی او - که یک حرکتی انجام میدهد - مثل خود او یک حرکتی انجام بدهیم. این مواجهه‌ی عکس‌العملی است؛ یعنی در واقع حرکت ما تابعی از نوع حرکت او است. مواجهه‌ی ابتکاری این است که نه، فرضاً دشمن از یک ناحیه‌ای به ما حمله میکند، ما از ناحیه‌ی دیگری به او حمله کنیم، ما به شکل دیگری ابتکار عمل را به دست بگیریم و نوعی برخورد کنیم که مثلاً ضربه بزنیم.</p>	<b>عکس‌العملی</b>	<b>ابتکاری</b>	۲
<p>گاهی انسان با یک حادثه‌ای که مواجه میشود، توجه به توانایی‌های دشمن یا حرکت دشمن موجب میشود که انسان مأیوس بشود؛ حالا ممکن است وارد میدان هم بشود اما</p>	<b>امیدوارانه</b>	<b>مأیوسانه</b>	۳

توضیح	نوع دوگانه‌ی مواجهه		
<p>مأیوسانه وارد میشود؛ این یک جور مواجهه است. یک جور مواجهه این است که نه، انسان امیدوارانه وارد میدان بشود؛ اینها با هم فرق میکنند. اگر مأیوسانه وارد میدان شدیم، ادامه‌ی کار یک جور خواهد بود، اگر امیدوارانه وارد شدیم، ادامه‌ی کار جور دیگری خواهد بود.</p>			
<p>یک وقت انسان وارد میدان میشود اما میترسد؛ از دشمن، از حادثه، از ورود در غَمَرَات میترسد، با ترس وارد میشود؛ این یک جور عکس‌العمل و واکنش و حضور در مقابل دشمن است، یک وقت با دلیری وارد میشود. در روایات دارد «خُصِ الْغَمَرَاتِ لِلْحَقِّ»؛ (نهج‌البلاغه: نامه ۳۱) [در هر جا که باشد، برای خدا به هر دشواری تن بده] وارد میدان میشود با دلیری، با شجاعت؛ این هم یک جور دیگر برخورد.</p>	دلیری	ترس	۴
<p>سهل‌اندیشی یعنی انسان پیچیدگی کار را نبیند، آن پیچهای کار و مشکلات کار را انسان توجه نکند؛ این سهل‌اندیشی است. سهل‌انگاری هم این است که انسان نگاه کند، بی‌تفاوت از مقابل خطر عبور کند. هم میتوان این جوری عمل کرد، هم میتوان با تدبیر، با دقت، با ملاحظه‌ی جوانب وارد میدان شد.</p>	سهل‌اندیشی و سهل‌انگاری	با حزم	۵
<p>فرض بفرمایید وقتی ما در مقابل دشمنی آمریکا قرار میگیریم، دو جور میتوانیم برخورد بکنیم: نگاه کنیم بینیم فرصتهای ما در مقابل این دشمن علی‌الظاهر مقتدر چه</p>	فرصت‌نگر	تهدید‌نگر	۶

توضیح	نوع دوگانه‌ی مواجهه		
<p>چیزهایی است، تهدیدهایی که در مقابل ما قرار دارد چه چیزهایی است؛ هر دو را ملاحظه کنیم، جمع‌بندی کنیم، آن وقت تصمیم بگیریم؛ یک وقت هست که نه، فقط تهدید را می‌بینیم، فرصتهای خودمان را نمی‌بینیم، یا اینکه نه، یک فرصتهایی داریم که آنها را می‌بینیم و تهدید را توجه نمی‌کنیم؛ خب این جور نگاه یک‌جانبه‌نگر خطا است؛ میتوان نگاه جامع داشت در مقابل یک چنین مسئله‌ای.</p>			
<p>یعنی ما بدانیم که الان در کجا قرار داریم: ما کجا هستیم، دشمن کجا هست، جایگاه ما چیست؟ این از جمله‌ی آن چیزهایی است که دشمن روی آن خیلی تلاش میکند. سعی دشمن و عوامل داخلی‌اش در این چند سال همیشه این بوده که جایگاه خودی را ضعیف نشان میدهند، جایگاه دشمن را قوی نشان میدهند؛ اگر چنانچه ما ندانیم که موقعیت ما در منطقه الان به نحوی است که دشمن از ما حساب میبرد، یک جور عمل میکنیم، اگر دانستیم که موقعیت ما به نحوی است که دشمن از ما حساب میبرد، جور دیگری عمل میکنیم.</p>	<p>شناختن واقعتهای میدان</p>	<p>شناخت واقعتهای میدان</p>	<p>۷</p>
<p>در حوادث گوناگون گاهی هست که انسان احساسات را رها میکند -حالا چه احساسات مثبت، مثلاً شادی را که انسان از یک موفقیت خرسند میشود، شاد میشود، احساسات خودش را رها میکند، یا احساس منفی را مثلاً غم را، غصه را،</p>	<p>عدم کنترل احساسات</p>	<p>کنترل احساسات</p>	<p>۸</p>

توضیح	نوع دوگانه‌ی مواجهه		
<p>ناراحتی را- این یک جور است؛ یک جور نه، کنترل احساسات، خرج کردن احساسات به قدر لازم. یکی از مواردی که واقعاً ممکن است ما ضربه بخوریم -یک وقتی هم یک ضربه‌هایی از آن خورده‌ایم- عدم کنترل احساسات عمومی است.</p>			
<p>گاهی ما در دوره‌ی مبارزات هم، قبل از انقلاب میدیدیم، بعضی‌ها که در کار مبارزه خیلی فعال بودند، خیلی از مسائل شرعی و مانند اینها را اهمیت نمیدادند. میگفتند آقا داریم کار میکنیم برای مبارزه، برای هدف؛ حالا مثلاً فرض کنید نماز اول وقت هم نشد، نشد؛ یا فلان مسئله هم نشد؛ تهمت و غیبت و از این چیزها هم اگر چنانچه پیش می‌آمد، برایشان خیلی اهمیت نداشت. خب، این یک جور برخورد است، یک جور برخورد هم این است که انسان تقوا را ملاحظه کند.</p>	<p>عدم رعایت اینها</p>	<p>رعایت ضوابط و حدود شرعی</p>	<p>۹</p>
<p>در همین مسائل مواجهه‌ی ما با دشمنان خارجی -مثلاً با غرب، با آمریکا، با اروپا- خب یک قضایایی داریم دیگر؛ قضایای گذشته را داریم، از اول انقلاب هم قضایایی داریم، اما این اواخر هم قضیه‌ی برجام را داشتیم. باید نوع برخوردمان با این جبهه، با استفاده‌ی از این تجربه باشد و بدانیم که با اینها چگونه باید برخورد کنیم.</p>	<p>دو بار از یک سوراخ گزیده شدن</p>	<p>بهره‌گیری از تجربه‌ها</p>	<p>۱۰</p>
<p>یک دوگانه‌ی دیگر این است که ما در مواجهه‌ی با حوادث</p>	<p>متهم کردن</p>	<p>شناخت</p>	<p>۱۱</p>

نوع دوگانه‌ی مواجهه	توضیح
دشمن واقعی	دائم همدیگر را متهم میکنیم، یا اینکه نه، به جای اینکه سر همدیگر داد بکشیم، به تعبیر امام «هر چه فریاد دارید بر سر آمریکا بکشید». ببینیم واقعاً با چه کسی باید دعوا کرد، با چه کسی باید طرف شد؛ این جوری عمل بکنیم.
نیروهای خودی	

## پاسخ دوگانه‌ها

ایشان درباره این دوگانه‌ها یادآور شدند: «این دوگانه‌ها سؤالات مهم است؛ ما از خودمان باید سؤال کنیم که در این دوگانه‌ها چه جوری باید عمل کنیم؟... به نظر من پاسخ اینها در منابع اسلامی ما روشن است.» و خود معظم‌له به برخی از این دوگانه‌ها پاسخ‌های قرآنی زیبایی می‌دهند که در این بخش به آن می‌پردازیم.

پاسخ دوگانه‌های مواجهه با چالش‌ها و حوادث از منابع اسلامی

نوع دوگانه‌ی مواجهه	پاسخ
۱ فعال انفعالی	در مواجهه با حوادث سخت مثل همین تحریم که یک حادثه‌ی سخت است، یا فرض بفرمایید مثل حمله‌ی نظامی، حرکت نظامی - اینها حوادث سختی است که از طرف دشمن ممکن است تحمیل بشود- اینجا هم خدای متعال دستور خودش را و روش درست را به ما یاد داده: <b>«وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا</b>

پاسخ	نوع دوگانه‌ی مواجهه		
<p><b>زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَ تَسْلِيمًا</b> (احزاب: ۲۲) ما توقع نداشتیم که حکومت اسلامی در دوران سیطره‌ی مادیت و حکومت‌های مادی در دنیا به وجود بیاید و مادیون دنیا که همه‌ی قدرتهای مادی را هم دارند، ساکت بنشینند تماشا کنند؛ معلوم بود که معارضة میکنند، معلوم است که اگر بتوانند تحریم میکنند، معلوم است که اگر بتوانند جنگ نظامی میکنند؛ ما باید کاری بکنیم که به فکر نیفتند این کارها را بکنند و اگر به فکر افتادند و اقدام کردند، سرکوب بشوند؛ <b>وَأَلَّا تَوْعِجَ</b> اینکه دشمن به ما حمله نکند، توقع درستی نیست. بنابراین، این هم دستور الهی است.</p>			
<p>در دوگانه‌ی امیدواری و نومیدی، دچار نومیدی هم نباید بشویم: <b>«لَا تَأْيِسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَأْيِسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ»</b> (یوسف: ۸۷)... چرا انسان مأیوس باشد؟ خیر، ما امیدواریم که بتوانیم بینی این قدرتهای مستکبر را به خاک بمالیم؛ میتوانیم این کار را بکنیم، امیدواریم؛ اگر تلاش کنیم، همت کنیم، خواهیم، به خدا توکل کنیم، از خدا خواهیم، میشود.</p>	امیدوارانه	مأیوسانه	۲
<p>در مواجهه‌ی با حوادث نباید دچار ترس و دلهره شد. <b>«أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ»</b> (یونس: ۶۲) این به خاطر ایمان است، به خاطر ارتباط با خدا است، به خاطر قبول ولایت الهی است؛ خوف و مانند آن نباید باشد.</p>	دلیری	ترس	۳

پاسخ	نوع دوگانه‌ی مواجهه	
<p>در مواجهه‌ی با پیروزی‌ها قرآن به ما درس میدهد: «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ، وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا، فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا»؛</p> <p>نمی‌گویید خوشحالی کن، مثلاً برو وسط میدان شعار بده؛ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ؛ می‌گویید برو تسبیح کن؛ این مربوط به تو نیست، مربوط به خدا است؛ استغفار کن. در خلال این حرکت ممکن است یک غفلی از تو سر زده باشد، از خدای متعال طلب مغفرت کن؛ در برخورد با حوادث مثبت این جوری باید برخورد کرد: دچار غرور نشدن، و از خدا دانستن که «وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى». این اغترار به نفس و اغترار به خدا که انسان غره بشود، درست نیست؛ «فَحَقَّ لَكَ أَنْ لَا يَغْتَرَّ بِكَ الصَّدِيقُونَ» در دعای صحیفه‌ی سجادیه آمده که صدیقون هم نبایستی اغترار پیدا کنند به تو که بگویند «ما که دیگر با خدا وضعمان روشن است و ...»؛ نخیر، خدای متعال با صدیقون هم رودربایستی ندارد؛ اگر یک وقت خطائی بکنند، ضربه را خواهند خورد. کاری که انجام می‌گیرد، کار خوبی را که انجام گرفته، از خودمان ندانیم، از خدا بدانیم. واقع قضیه هم همین است.</p>	عدم کنترل احساسات	کنترل احساسات

از مهم‌ترین دوراهی‌هایی که آیت‌الله خامنه‌ای (دام‌ظله) بر آن تحلیل قویم و استوار دارند، دوگانه سازش و مقاومت است. ایشان با توجه به شناختی که از نظام سلطه و هم‌چنین هویت اسلامی - ایرانی دارند، بر این باورند که انتخاب هر دو گزینه سازش و مقاومت، هزینه‌دارد. برخی معتقدند راه سومی را باید انتخاب کرد، اما واقعیت این است که راه سوم برای حفظ هویت و استقلال وجود ندارد و سرپیچی از استانداردهای حیات سیاسی اجتماعی غرب، واجد برخورد و عقوبت است. یا باید با سیاست‌های غرب همراه شد یا باید هزینه استقلال و دست رد به دخالت در همه شئون کشور را داد. تجربه ایران از پایان جنگ‌های ایران و روس تا انقلاب اسلامی، به وضوح عواقب وابستگی سیاسی اقتصادی را نشان می‌دهد و ثابت می‌کند که دور کردن بیگانگان از منابع و منافع کشور، فقط با مقاومت ممکن است. آیت‌الله خامنه‌ای (دام‌ظله) کوشیده‌اند پشتوانه های عینی و غیر انتزاعی این مقاومت همچون قدرت منطقه‌ای، رشد تکنولوژی نظامی و سلاح های راهبردی، اقتصاد مقاومتی و توجه به مردم‌سالاری را به‌عنوان پایه‌های این مقاومت، ایجاد کنند و گسترش و استمرار بخشند.

«افرادی که تفکرشان برآمده از آموزه‌های اسلامی نیست، از هزینه‌های چالش با مستکبرین صحبت می‌کنند و عقلانیت را در این می‌دانند و می‌گویند که چالش با قدرت‌ها هزینه دارد.» (۱۳۹۶/۰۳/۱۴) و نسخه تسلیم را برای ملت و نظام اسلامی تجویز می‌کنند. آن‌ها معتقدند: «تسلیم شویم تا دشمن علیه ما مودی گری نکند.» (۱۳۹۷/۰۴/۰۹) اما «نمی‌دانند که هزینه تسلیم شدن، به مراتب بیشتر از مقاومت کردن و ایستادگی کردن است. بله، ایستادگی کردن ممکن است هزینه‌ای داشته باشد؛ اما دستاوردهای بسیار بزرگی دارد که صدها برابر آن هزینه برای ملت‌ها ارزش دارد؛ اما تسلیم شدن در مقابل دشمن عنود و لجوج و خبیث، جز لگدمال شدن، جز ذلیل شدن، جز بی‌هویت شدن هیچ اثری ندارد» (همان) و البته، در این زمینه نیز تجربیات روشنی پیش روی ماست. از نمونه‌هایی که امروز ملت‌ها به‌وضوح دیدند، ماجرای دوشیدن عربستان توسط آمریکا بود؛ عربستانی که بهترین روابط را با آمریکا بین کشورهای منطقه دارد و برنامه‌های خود را کاملاً بر

اساس سیاست‌های ایالات متحده تنظیم می‌کند. در این ماجرا، «دولت سعودی برای اینکه با رئیس جمهور جدید آمریکا بتواند سازش بکند، مجبور می‌شود بیش از نیمی از ذخایر موجودی مالی خودش را در خدمت هدف‌ها و طبق میل آمریکا هزینه کند. این‌ها هزینه نیست؟ سازش هم هزینه دارد.» (۱۳۹۶/۰۳/۱۴) این ماجرا، یکی از مصداق‌هایی است که بر هزینه داشتن سازش، گواهی می‌دهد.

از سوی دیگر، چالش و ایستادگی در برابر قدرت‌ها نیز طبیعتاً دارای هزینه‌هایی است؛ اما براساس تفکر و اعتقاد اسلامی، «چالش اگر عقلایی باشد، چالش اگر منطبق با منطق باشد، اگر با اعتماد به نفس باشد، هزینه‌اش به مراتب کمتر از هزینه سازش است.» (همان)

آیت‌الله خامنه‌ای ضمن پذیرش هزینه‌دار بودن مقاومت، با استناد به تجربه و عزت ملی و اعتماد به وعده‌های الهی، مقاومت را انتخاب می‌کنند و می‌دانند که آنچه در تاریخ آیندگان ثابت خواهد شد، وفور یا کمبود کالا در بازار نیست. آنچه ثبت خواهد شد، این است که حاکمان وقت، چطور توانسته‌اند با کمترین هزینه، استقلال، هویت و عزت ملت را حفظ کند. اعتماد آیت‌الله خامنه‌ای مدظله به همراهی و حمایت مردم، عنصر کلیدی است که به پشتوانه آن، پس از تحلیل اوضاع، عنصر مقاومت را ترجیح می‌دهند و مقاومت را واکنش طبیعی هر ملت آزاد و باشرف تحلیل می‌کنند و مقاومت مقابل زورگویی را اساس زنده بودن هر ملتی ارزیابی می‌نمایند. (نک: ۱۳۹۸/۰۳/۱۴)

ایشان نمونه‌هایی مانند رژیم پهلوی و سعودی را نماد و نمونه سازش می‌دانند و وضعیت آنان را از حیث اراده مستقل و عزت ملی و جهانی، یادآور می‌شوند. نکته بسیار مهم در نظریه مقاومت ایشان، این است که مقاومت به معنای «نبرد» نیست؛ بلکه هدف، ایستادگی و عقب‌نشینی نکردن از اهداف و جلوگیری از زیاده‌خواهی و پیشروی دشمن است. محاسبات آیت‌الله خامنه‌ای مدظله و تحلیل و تبیین وضعیت برای ملت، باعث شد آمریکا از راه‌های مختلف پیام مذاکره و عدم جنگ بفرستد و روز به روز به عقب‌نشینی وادار شود.

## دوگانه‌ی اسلام حداقلی و اسلام حداکثری

برخی در کشور، معتقدند که در دوران غیبت معصوم (عجل الله فرجه الشریف) باید به «اسلام حداقلی» بسنده کنیم و حکومت، بر اجرای همه احکام اصرار نورد. آیت‌الله خامنه‌ای (دام‌ظله) برای تبیین موضوعی، به آیات متعدد قرآن استناد، و اثبات می‌کنند که برای اجرای قسط باید به صورت حداکثری پیش رفت و امر به معروف را باید به بهترین وجه انجام داد و اصولاً معتقدند «اقامه دین»، امری کامل است. نمی‌توان بخشی از دین را رها، و بخشی را برجسته کرد. جامعیت که از ویژگی‌های دین اسلام است، به ما تجویز می‌کند که باید همه شئون اسلام را در نظر داشت و نگاه‌گزینشی به اسلام، ممکن است به اجرای ناقص یا حذف برخی احکام بینجامد: «دین حداقلی و اکتفای به حداقل‌ها، از نظر اسلام قابل قبول نیست. ما در معارف خودمان، چیزی به‌عنوان دین حداقلی نداریم؛ بلکه در قرآن کریم، در موارد متعددی، اکتفای به بعضی از تعالیم دین دون بعضی، مذمت شده است. «الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ» (حجر: ۹۱) یا آیه شریفه «وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ» (نساء: ۱۵۰) که مربوط به منافقین است، اشاره به همین است.» (۱۳۹۳/۱۲/۲۱)

## تبیین قرآنی ادراک دوگانه از قدرت آمریکا

آیت‌الله خامنه‌ای (دام‌ظله) برای تبیین ادراک دوگانه از قدرت آمریکا، با استناد به قرآن، دو نگاهی را که بین مسلمانان در جنگ احزاب بود، تبیین و تحلیل می‌کنند و با جایگزینی آمریکا به جای مشرکین احزاب، تأویل امروزی از آیات قرآن را انجام دهند و دو دسته مرعوبین از قدرت آمریکا و مقاومت‌کنندگان در مقابل آمریکا را بر می‌شمارند که دسته دوم، از این‌رو می‌ایستند که قدرت خداوند را برتر از قدرت آمریکا می‌دانند: «ملاحظه کنید؛ دو جور آدم در مقابله با دشمن وجود دارد: «وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا...» (احزاب: ۱۳-۱۲)؛ این یک نگاه است، یک دید است در مقابله با این حوادث. یک دید دیگر، این است که می‌گوید: «وَلَمَّا رَأَى

**الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا**  
**إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا**» (احزاب: ۲۲)؛ این هم یک دید است. هر دو مال حادثه احزاب است. یک عده  
 وقتی احزاب را می‌بینند، می‌گویند «**مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا**»؛ عده دیگر وقتی احزاب را  
 می‌بینند، می‌گویند: «**هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَ**  
**تَسْلِيمًا**»؛ این مهم است. این دارد وضع فعلی ما را به ما نشان می‌دهد. ما دو جور انسان داریم:  
 یک عده هستند که وقتی هیمنه آمریکا را می‌بینند، قدرت نظامی او را می‌بینند، قدرت  
 دیپلماسی او را می‌بینند، قدرت تبلیغاتی او را می‌بینند، پول فراوان او را می‌بینند، مرعوب می  
 شوند؛ می‌گویند ما که نمی‌توانیم کاری بکنیم، چرا بی‌خودی نیروهایمان را هدر بدهیم؟ این جور  
 افراد، الان هستند، در زمان انقلاب ما هم بودند. ما مواجه بودیم با افرادی از این قبیل که می  
 گفتند: آقا بی‌خود چرا خودتان را زحمت می‌دهید؛ به یک حداقلی قانع شوید و قضیه را تمام  
 کنید! یک عده این جور بودند. یک عده دیگر هستند که نه، قدرت دشمن را با قدرت خدای متعال  
 مقایسه می‌کنند، عظمت دشمن را در مقابل عظمت پروردگار قرار می‌دهند؛ آن وقت می‌بینند که  
 این‌ها (دشمن) حقیر محض‌اند، این‌ها چیزی نیستند. وعده الهی را هم راست می‌شمرند، حُسن  
 ظن به وعده الهی دارند؛ این مهم است. خدای متعال به ما وعده کرده است: «**وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ**  
**يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ**» (حج: ۴۰). این، وعده قطعی است. وعده مؤکد است. اگر چنان‌چه ما  
 به وعده الهی حُسن ظن داشته باشیم، یک جور عمل می‌کنیم؛ اگر به وعده الهی سوء ظن داشته  
 باشیم، جور دیگری عمل می‌کنیم. خدای متعال افرادی را که سوء ظن دارند، مشخص کرده است:  
**«وَيَعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ**  
**دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا**» (فتح: ۱۲)؛  
 سوء‌ظن به خدا موجب می‌شود که انسان بنشیند و از حرکت و از کار و تلاش باز بماند. اگر حُسن

ظن به خدا داشته باشیم، آن وقت می‌توانیم پیش برویم.» (۱۳۸۹/۱۲/۰۱) #